

بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های دموکراتیزاسیون در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی

علیرضا سمیعی اصفهانی^۱، محمد مجاهد زاده^۲، مرضیه کرمی^۳، مالک آوریده^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴

چکیده:

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های تحکیم و تثبیت دموکراسی در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد و روحانی بر پایه نظریه نوسازی مارتین لیپست و لری دایموند است. در نظریه نوسازی گسترش دموکراسی مستلزم دگرگونی‌های اساسی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی نیست بلکه از این چشم‌انداز، صرف دگرگونی‌های کمی در حوزه‌های گوناگون زمینه را برای برقراری دموکراسی فراهم کند. آنچه در پژوهش حاضر مورد پرسش قرار گرفته است این است که دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۰ چه نقشی در تحکیم و تثبیت عناصر و شاخص‌های دموکراسی ایفا نموده‌اند؟ یافته‌های پژوهش بر پایه ارزیابی شاخص‌های مهمی مانند شهرنشینی، صنعتی شدن، آموزش عمومی، تورم، سرمایه‌گذاری خارجی، مسکن، اشتغال، احزاب و سازمان‌های غیردولتی نشان می‌دهد که در برخی شاخص‌ها مانند، مقوله مسکن و ایجاد شغل، دولت احمدی‌نژاد موفق‌تر بوده است؛ و در برخی دیگر مانند؛ جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تشکیل احزاب و تأسیس سازمان‌های غیردولتی دولت روحانی بهتر عمل کرده است و در زمینه شاخص‌هایی همچون کنترل تورم، روند شهرنشینی، صنعتی شدن و آموزش عمومی اقدامات هر دو دولت به یکدیگر نزدیک بوده است. نکته مهم اینکه به دلایلی مانند برخی محدودیت‌های بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی، هیچ‌کدام از دو دولت نتوانسته‌اند در تمامی شاخص‌های نوسازی نظریه لیپست و لری دایموند در مسیر دموکراسی‌سازی با موفقیت کامل عمل کنند. روش پژوهش، کیفی از نوع تبیین علی و اطلاعات و داده‌ها مورد نیاز از طریق منابع استنادی و مجازی گردآوری شده است.

واژگان اصلی: دموکراسی، احمدی‌نژاد، روحانی، نظریه نوسازی، لیپست، دایموند.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

a.samiee@ase.ui.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۴. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

مقدمه

ایرانیان در طی یک قرن اخیر همواره طالب ارزش‌های سیاسی جدید مثل آزادی، مشارکت سیاسی، برابری مدنی و محدودسازی اختیارات حاکمان به قواعد اساسی بوده‌اند. مردم ایران در طول یک قرن اخیر هزینه‌های زیادی برای دستیابی به نظام سیاسی دموکراتیک پرداخت کرده‌اند (عبداللهی و ساعی، ۱۳۸۴: ۳). در تاریخ معاصر، ایران سه موج دموکراسی را پشت سر گذاشته است. نخستین مرحله مربوط به انقلاب مشروطه است که در یک برهه زمانی نسبتاً کوتاه در سطح نهادی یک «سلطنت مشروطه» برقرار شد و قانون اساسی بر پایه قوانین اساسی حکومت‌های پارلمانی در کشورهای اروپایی، به‌خصوص فرانسه و بلژیک تدوین گردید (علیخانی، ۱۳۹۵: ۹). در جنبش مشروطه دو سنت اقتدارگرایی و دموکراسی وجود داشت، اما فضای ناامن عصر مشروطه به سنت اقتدارگرایی مجال بیشتری از دموکراسی خواهی داد. در نتیجه به حاشیه رفتن دموکراسی که از دوره مشروطه سیر صعودی داشت، در عصر رضاشاه به‌طور چشمگیری به فراموشی سپرده شد (احمدی و کرمشایی، ۱۳۹۹: ۲). دومین مرحله دموکراسی سازی در ایران مربوط به پایان استبداد رضاشاهی در شهریور ۱۳۲۰ تا شکل‌گیری جنبش ملی نفت است که از آن به‌عنوان نوعی دموکراسی «ضعیف، نیم‌بند و لجام‌گسیخته» تعبیر کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۲۰). موج دوم دموکراسی علیرغم شروع پاره‌ای از اصلاحات سیاسی و اجتماعی، اما به دلیل مخالفت‌های بیگانگان در حمایت از دولت استبداد و ایجاد کودتا در ایران به سرکوب مردم عملاً بی‌ثمر ماند و چرخه بازگشت به اقتدارگرایی تکرار شد و مصدق و کابینه و نمایندگان وفادار او بازداشت شدند (فوران، ۱۳۷۹: ۴۶۳). مرحله سوم دموکراسی خواهی در ایران وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و زوال دیکتاتوری محمدرضا شاه بوده است. این جنبش مردمی به اشکال مختلف از افکار آزادیخواهانه و جنبش‌های دموکراتیک در دنیا تأثیر پذیرفت و نهایتاً به نظام جمهوری اسلامی که تلفیقی از اندیشه جمهوری خواهی و دین‌باوری بود منجر شد. با پیروزی انقلاب اسلامی، مسیر توسعه سیاسی ایران با دوران قبل از آن تفاوتی ماهوی پیدا کرد. در واقع انقلاب اسلامی ایران منجر به تجدیدنظر در دیدگاه‌ها و سمت‌گیری‌های مردم نسبت به نظام سیاسی و سیاست گردید و در نتیجه در فرهنگ سیاسی توده مردم و تلقی و جهت‌گیری آن‌ها نسبت به کارکردهای نظام سیاسی تحولی پدید آورد (نعمت‌الله، ۲۰۰۶: ۱۶۱). در اصل اول قانون اساسی آمده است که نوع حکومت ایران «جمهوری اسلامی» است و این بدان معنا است که شکل حکومت جمهوری و محتوای آن اسلامی است. در نتیجه مشروعیت آن مبتنی بر دو اصل مکتب و انتخاب مردم است (خسروی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۸).

روی هم‌رفته، دولت‌های پس از انقلاب هرکدام با تأکید بر ابعاد ویژه‌ای از توسعه و نوسازی در مسیر مردمی‌سازی نظام سیاسی گام برداشته‌اند، برای نمونه دولت هاشمی بر ابعاد اقتصادی، خاتمی بر ابعاد سیاسی و احمدی‌نژاد و روحانی بیشتر بر وجوه فرهنگی و اجتماعی نوسازی تمرکز کردند. با این توصیف در این پژوهش سیاست‌های دولت نهم تا دوازدهم در زمینه تعمیق و گسترش ارزش‌های دموکراتیک بر پایه شاخص‌های مفهومی نظریه نوسازی مارتین لیپست و لری دایموند مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. پرسش اصلی پژوهش این است که بر پایه نظریه نوسازی لیپست و لری دایموند، دولت‌های نهم تا دوازدهم تا چه حد توانسته‌اند شاخص‌های دموکراتیزاسیون را در جامعه ایرانی، عملیاتی و محقق سازند؟

۱- چهارچوب نظری پژوهش: نظریه نوسازی مارتین لیپست و لری دایموند

دموکراتیزاسیون عبارت از روند تکوین و تعمیق دموکراسی است. این اصطلاح اولین بار در سال ۱۸۸۸ توسط جیمز برایس مورد استفاده قرار گرفت. برایس آغاز روند مورد بحث را از انقلاب فرانسه می‌داند. دموکراتیزاسیون در معنای موسع آن یعنی کناره‌گیری رژیم‌های خودکامه (اعم از نظامی، حزبی و شخصی) از قدرت و آزاد سازی آن و در معنای محدود آن به سیاست نوسازی و انجام اصلاحات گام‌به‌گام و کنترل شده در ابعاد مختلف اجتماعی تعبیر شده است. به طور کلی، در زمینه دموکراتیزاسیون سه دسته نظریه عرضه شده است. نظریات ساختار محور، نظریات کارگزار محور و نظریات تلفیقی (ساختار و کارگزار). در این میان نظریات ساختار محور خود به سه دسته نظریات نوسازی، نظریات اجتماعی (طبقاتی) و نظریات فرهنگی تقسیم می‌شوند؛ که مبنای این تحقیق نظریات دسته اول یعنی نظریات نوسازی است. در نظریه نوسازی گسترش دموکراسی مستلزم دگرگونی‌های اساسی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی نیست بلکه از این چشم‌انداز صرف دگرگونی‌های کمی در حوزه‌های گوناگون زمینه را برای برقراری دموکراسی فراهم می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۶: ۱۶، همچنین ن. ک. سمیعی، ۱۳۸۴: ۲۷۹-۳۶۵).

مارتین لیپست یکی از شاخص‌ترین نظریه‌پردازان این رویکرد است. لیپست، نخستین نظریه دموکراسی سازی را بر مبنای ساختار اقتصادی جامعه در اواخر دهه ۱۹۵۰ ارائه کرد. او نظریه‌اش را در مقاله بسیار مشهور «برخی الزامات اجتماعی دموکراسی؛ توسعه اقتصادی و مشروعیت سیاسی» ارائه کرد. به گفته وی؛ «شرایط مرتبط با ایجاد جامعه دموکراتیک و ثبات آن دغدغه اصلی

فلسفه سیاسی بوده است» (لیپست، ۱۹۵۹: ۶۹). بر این اساس، در نظریه خود پیوند تنگاتنگی بین توسعه اقتصادی و دموکراسی برقرار می‌کند (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۷: ۵۵). از این رو جوامع ثروتمند شانس‌های بیشتری برای استمرار دموکراسی دارند. از نظر لیپست ثروتمندی - با شاخص‌های درآمد سرانه، تعداد افراد دارای اتومبیل، تعداد پزشکان، رادیو، تلفن و روزنامه برای هر هزار نفر - همراه با سه مؤلفه صنعتی شدن، شهری شدن و آموزش عمومی چهار مؤلفه اصلی توسعه اقتصادی‌اند. این چهار مؤلفه «به‌طور جداگانه ارائه شده‌اند اما چنان تنگاتنگ به هم مرتبط‌اند که یک عامل فراگیر را شکل می‌دهند (لیپست، ۱۹۵۹: ۷۵). این عامل فراگیر در نظریه او توسعه اقتصادی است. دریافت کلی از نظریه نوسازی این است که در پی استمرار توسعه اقتصادی و مشخصاً افزایش ثروتمندی و گسترش صنعتی سازی و شهری سازی و نیز اعتلای آموزش، ساختارهای اقتصادی و اجتماعی متحول و پیچیده می‌شوند. با رشد تکنولوژی و پیچیده شدن مناسبات اقتصادی و نیز گسترش شهرنشینی از یک سو حکومت ناگزیر می‌شود نهادهای متناسب با چنین توسعه‌ای را ایجاد کند و از سوی دیگر، گسترش نهادسازی با حاکمیت اقتدارگرا در تعارض قرار می‌گیرد. اعتلای آموزش نگرش گیتیانه (سکولار) را در جامعه می‌پراکند. این اعتلا به گسترش رواداری و اشاعه فرهنگ مدنی در بین مردم می‌انجامد. مطابق نظریه نوسازی عوامل خارجی نیز در پیشبرد روند دموکراسی - سازی موثراند. مهم‌ترین عامل خارجی در این زمینه سرمایه‌گذاری خارجی است (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۷: ۵۹-۶۵).

تحول دوم نظریه نوسازی به‌وسیله لری دایموند آدر سطح نظریه‌پردازی رخ داده است. پس از ارائه «نظریه وابستگی» در دهه ۱۹۶۰ که نقدی رادیکال بر نظریه نوسازی بود و با استقبال گسترده‌ای در محافل آکادمیک و سیاسی به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه مواجه شد و همچنین با طرح نظریه عاملیت‌محور دموکراسی سازی از «دانکورت روستو» در سال ۱۹۷۰ و نفوذی که این نظریه، به‌سرعت، در آن محافل یافت تردیدها نسبت به نظریه نوسازی تشدید شد. به همین دلایل لری دایموند در جهت تقویت و برطرف کردن نظریه نوسازی و دیدگاه‌های لیپست برآمد. او با پذیرش مبانی نظریه لیپست اولاً می‌کوشد بر زمینه روندهای دموکراسی سازی در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی توضیحی کارآمد از آن ارائه دهد. ثانیاً، در پاسخگویی به ویژگی‌ها و الزامات این

¹ Lipset

² Larry Diamond

روندها روایت جامع‌تری از آن نظریه ارائه دهد (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۷۳-۷۲). اثر مهم دایموند در تأیید و بازسنجی نظریه لیپست مقاله‌ای است به نام توسعه اقتصادی و دموکراسی بازنگری شده، او مقاله را با پاسخ به یکی از نقدهای مهم به نظریه نوسازی شروع می‌کند: اینکه مطابق نظریه نوسازی، توسعه اقتصادی، به‌طور علی، به دموکراسی می‌انجامد؛ اما همچنان که لیپست در آغاز مقاله خود از «الزامات» و نه «پیش‌نیاز» صحبت کرده و صراحتاً نوشته بود توسعه اقتصادی علت دموکراسی است. دایموند نیز بر این نکته تأکید می‌کند که مطابق نظریه لیپست بین توسعه اقتصادی و دموکراسی رابطه متقابل یا همبستگی وجود دارد نه علیت. درعین حال که لیپست در نظریه خود شاخص توسعه اقتصادی، **GNP** (تولید ناخالص ملی) و سرانه آن را در نظر می‌گیرد، دایموند پیشنهاد می‌کند به‌جای شاخص فوق، **HDI** (شاخص توسعه انسانی) در نظر گرفته شود؛ ازجمله به این دلیل که در «بسیاری دموکراسی‌های جهان در حال توسعه، رتبه‌بندی **HDI**، به‌طور چشمگیری، از سرانه تولید ناخالص ملی بیشتر است (دایموند، ۱۹۹۲: ۴۵۱). دایموند در پی توضیحاتی درباره نظریه لیپست و با تکیه بر سنجش شاخص‌های کمی اقتصادی در تحولات اقتصادی-اجتماعی برخی کشورها نظر کلی خود را درباره نوسازی بیان می‌کند: ۱) رابطه ایجابی محکمی بین دموکراسی و توسعه اقتصادی-اجتماعی وجود دارد (هم در شاخص درآمد سرانه و هم در بهبود شرایط زندگی) ۲) این رابطه، دست‌کم در یک‌جهت علی است: سطوح بالاتر توسعه اقتصادی-اجتماعی امکان چشمگیری‌تری را برای حکومت دموکراتیک ایجاد می‌کنند. ۳) این رابطه آشکار می‌کند سطوح بالاتر توسعه اقتصادی-اجتماعی نه‌فقط باوجود بلکه باثبات دموکراسی نیز پیوند دارند. ۴) هرچند درآمد سرانه‌ی ملی متغیر مستقلاً است که با بیشترین اطمینان و سازگاری، سطح دموکراسی را پیش‌بینی می‌کند احتمال دارد شاخص میانگین رفاه و توسعه انسانی جایگزین دقیق‌تری در رابطه باشد؛ بنابراین می‌توان برنهاد لیپست را تا حدودی این‌چنین تغییر داد: هرچه مردم کشوری به‌طور میانگین - ثروتمندتر باشند محتمل‌تر است آنان از نظام دموکراتیک برای کشورشان حمایت کنند، آن را پیش ببرند و از آن حفاظت کنند (دایموند، ۱۹۹۲: ۴۶۶-۴۶۸)

بنابراین دایموند به‌جای توسعه اقتصادی صرف نظریه لیپست، توسعه اقتصادی-اجتماعی را در کانون توجه خود قرار می‌دهد و سطوح بالاتر آن را «نه‌فقط باوجود بلکه باثبات دموکراسی» در پیوند قرار می‌دهد. از نگاه او توسعه اقتصادی به‌خودی‌خود، -و به‌یقین، فقط رشد اقتصادی-

¹ Diamond

مهم‌ترین عامل توسعه‌ای در اعتلای دموکراسی نیست، بلکه مجموعه‌ی به هم برآمده تغییرات و ترقیات اجتماعی که وسیعاً در میان مردم توزیع شده باشد و کمابیش در واژه توسعه اقتصادی-اجتماعی خلاصه می‌شود- عامل چنان اعتلایی است. توسعه اقتصادی فقط تا آنجا دموکراسی را ایجاد یا تحصیل می‌کند که چهار متغیر به هم تنیده حیاتی را تغییر دهد و بهبود ببخشد: فرهنگ سیاسی، ساختار طبقاتی، روابط دولت-جامعه و جامعه مدنی (دایموند، ۱۹۹۲: ۴۸۷-۴۸۶). دایموند در نتیجه‌گیری خود نشان می‌دهد که کاملاً به اساس نظریه لیپست پایبند است و فقط می‌کوشد تا با توجه به نظریه‌های نوین دموکراسی-مشخصاً نظریه ساختار اجتماعی (طبقاتی) و نظریه کنشگری- و اضافه کردن برخی عوامل مؤثر در روند دموکراسی سازی آن را روزآمد کند.

با توجه به این‌که بررسی تمام شاخص‌های موجود در نظریه نوسازی لیپست و لری دایموند در حوصله یک مقاله نمی‌گنجد، در ادامه تلاش می‌گردد با گزینش چندین شاخص کلیدی از چارچوب نظری بحث، سیاست‌های دو دولت احمدی‌نژاد و روحانی در زمینه نوسازی و دموکراسی سازی را مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۲. بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های نظریه نوسازی لیپست و لری دایموند از دولت نهم تا دوازدهم

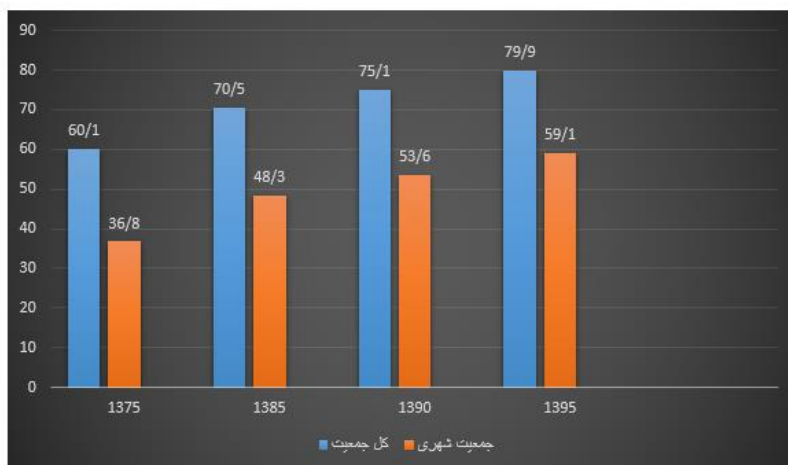
از نظریه نوسازی لیپست و دایموند شاخص‌های (شهرنشینی، صنعتی شدن، آموزش عمومی، تورم، سرمایه‌گذاری خارجی، مسکن، اشتغال، احزاب و سازمان‌های غیردولتی) جهت بررسی انتخاب شده‌اند.

۲-۱- شهرنشینی

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های نظریه نوسازی لیپست مقوله شهرنشینی است. شهرنشینی فرآیندی است که در آن تغییراتی در سازمان اجتماعی سکونتگاه‌های انسانی به وجود می‌آید که حاصل افزایش، تمرکز و تراکم جمعیت می‌باشد. از نظر سازمانی، در شهرنشینی دگرگونی‌هایی در ساخت اجتماعی اقتصادی و کارکردهای جمعیتی ظاهر می‌شود. در کل نسبت شهرنشینی در سطح جهان رو به افزایش است و در دهه‌های اخیر سرعت بیشتری به خود گرفته است. در سطح جهانی در سال ۲۰۰۸ برای نخستین بار، انتقال شهری به وقوع پیوست، به بیانی دیگر بیش از نیمی از جمعیت جهان (۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر) در مناطق شهری زندگی می‌کردند، بر این اساس سازمان ملل، سال ۲۰۰۸ را سال شهرنشینی نامید. این موضوع در حالی است که انتقال شهری برای

ایران در سال ۱۳۵۹ رخ داد. به بیانی دیگر در طی ۶۰ سال گذشته روند شهرنشینی و روستانشینی در ایران یک الگوی ضربدری را به تصویر می‌کشد. از این رو، نسبت شهرنشینی در ایران روبه افزایش است و انتظار می‌رود در آینده نیز به روند صعودی خود ادامه دهد؛ بنابراین آگاهی نسبت به تعداد، ساختار و ترکیب جمعیت شهرنشین در آینده، برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری اهمیت دارد (فتحی، ۱۳۹۵: ۴).

بررسی نتایج سرشماری‌ها نشان می‌دهد که نسبت شهرنشینی در کل کشور در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ روندی صعودی داشته است. طی نیم‌قرن گذشته جمعیت نقاط شهری حدود ۱۰ برابر شده، در حالی که طی همین مدت جمعیت روستایی ۱/۶ برابر شده است. از جمله عوامل مؤثر در این امر تمرکز سرمایه در شهرهای بزرگ، عدم ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی، گسترش فعالیت‌های خدماتی در مناطق شهری، ایجاد برخی از صنایع در حاشیه شهرها و مکانیزه شدن کشاورزی در برخی از نقاط روستایی و در نتیجه مهاجرت روستاییان به شهرها، ادغام تعدادی از نقاط روستایی اطراف شهرها به مجموعه شهرها و تبدیل برخی از نقاط روستایی به شهر هستند (فتحی، ۱۳۹۵: ۴).

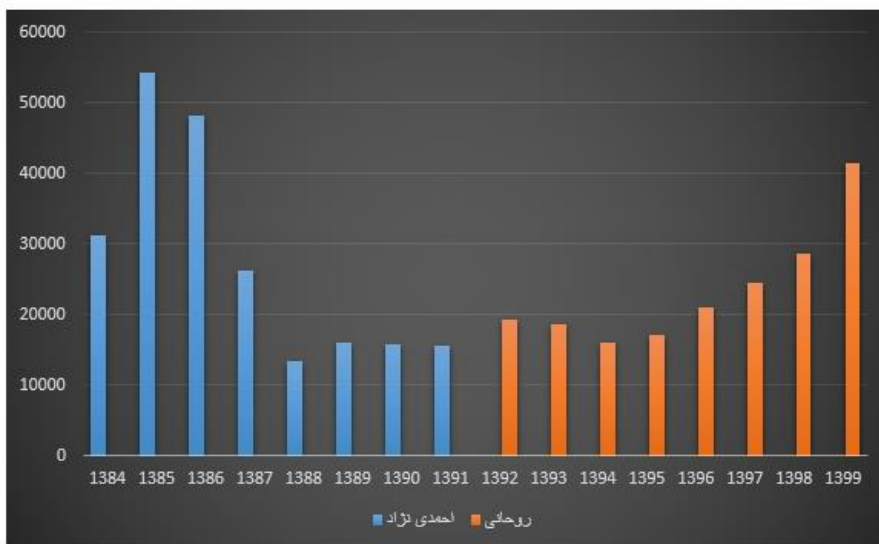


نمودار ۱: بررسی کل جمعیت و جمعیت شهرنشین ایران منبع: فتحی، ۱۳۹۵: ۴

۲-۲- صنعتی شدن

یکی دیگر از شاخص‌های اصلی نوسازی در نظریه لیپست موضوع صنعتی شدن کشورها می‌باشد. صنعت در واقع مفهومی از ثروت اقتصادی است که ناشی از کار انسان است. تعداد کارگاه‌های صنعتی ایجادشده و جوازهای صادرشده برای آن‌ها یکی از زیرمجموعه‌های صنعتی

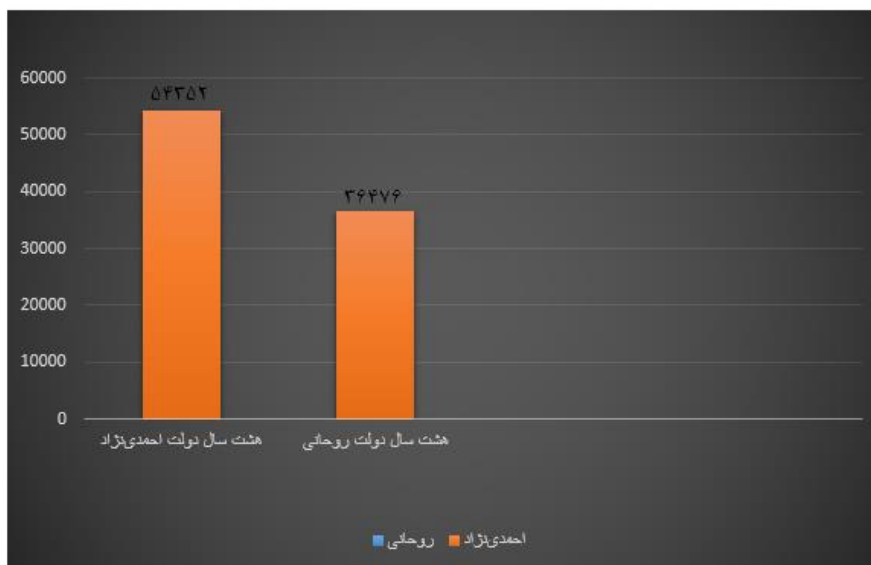
شدن است. بر اساس آمارهای دریافتی از سازمان‌های صنایع و معادن استان‌های کشور از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ به صورت میانگین تعداد ۳۴,۷۴۶ فقره جواز تأسیس، از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ تعداد ۱۶,۶۲۷ فقره جواز تأسیس، از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ تعداد ۱۸,۱۴۳ فقره جواز تأسیس و از سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ تعداد ۳۱,۴۳۳ فقره جواز تأسیس صادر شده است (آمار وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۴۰۱). مقایسه ارقام فوق نشانگر این مسئله است که در دوره نخست ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد تعداد جواز صادر شده برای تأسیس کارگاه‌های صنعتی سیر صعودی داشته ولی در دوم ریاست جمهوری یعنی در دولت دهم این سیر نزولی بوده است. در ادامه صدور جوازهای تأسیس توسط وزارت صنعت و معدن در دولت یازدهم نیز تعداد جوازهای صادر شده شبیه به دولت دهم می‌باشد اما در دولت دوازدهم تعداد جوازهای صادر شده افزایش پیدا کرده است.



نمودار ۲: بررسی تعداد جواز صادر شده توسط وزارت صنعت و معدن (۱۳۸۴-۱۳۹۹)

منبع: وزارت صنعت، معدن، تجارت از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹

همچنین بر اساس آمار وزارت صنعت، معدن و تجارت تعداد واحدهای تولیدی که پس از موفقیت در تولید موفق به اخذ پروانه بهره‌برداری شده‌اند و رسماً مشغول به کار شده‌اند در دولت روحانی ۳۶,۰۰۰ واحد و در دولت احمدی‌نژاد ۵۴,۰۰۰ واحد صنعتی به بهره‌برداری رسیده‌اند (آمار وزارت صنعت، ۱۴۰۰).



نمودار ۳: تعداد پروانه‌های بهره‌برداری از واحدهای جدید صنعتی

منبع: وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۴۰۰

۳-۲- آموزش عمومی

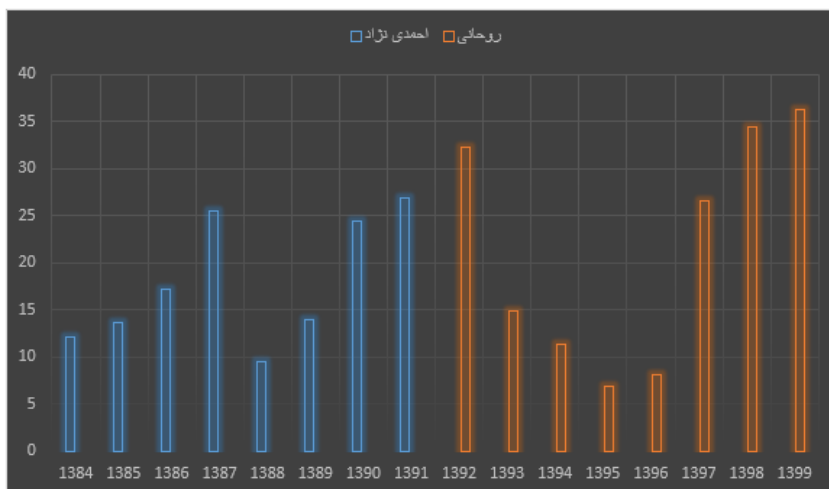
از میان ابعاد سیاست اجتماعی، آموزش یکی از بنیان‌های دولت رفاهی در جهان و ایران به شمار می‌آید که بعد از سیاست سلامت، دومین خدمت در بخش هزینه‌های اجتماعی است و شامل آموزش ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و آموزش عالی است (ساعی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۳۹). در حوزه سیاست آموزشی و تحقق عدالت آموزشی وعده داده‌شده در قانون اساسی دولت‌های بعد از انقلاب با چند مسئله بزرگ، مدارس و دانشگاه‌ها و دانش‌آموزان و دانشجویان، معلم و نظام تربیت و رتبه‌بندی و محتوای آموزشی و مؤسسات آموزشی و کمک‌آموزشی و مواجهه آن با عدالت آموزشی روبرو بوده و هستند. بر اساس بند دوم اصل سوم قانون اساسی و نیز اصل ۱۰ قانون اساسی آموزش رایگان باید برای همه آحاد مردم توسط دولت فراهم شود و این یعنی هیچ مدرسه و دانشگاهی نباید درازای ارائه خدمات آموزشی پولی را طلب کند اما با نگاهی میدانی و حتی با یک پرس‌وجوی ساده مشخص می‌شود چنین امری دیگر نمود عینی ندارد و تفاوت‌ها فقط در میزان دریافتی‌هاست. سوای توزیع نامناسب اعتبارات آموزشی، پایین آمدن استانداردهای کیفی آموزش اکثر مدارس دولتی مطالعه موردی یک نمونه یعنی رشد مدارس غیرانتفاعی در دولت‌های بعد از انقلاب بخصوص دولت‌های احمدی‌نژاد روحانی به‌خوبی نشان می‌دهد سیاست آموزشی

اتخاذ شده در دولت‌های بعد از انقلاب با اصول بنیادین قانون اساسی و شعارهای داده شده در زمینه عدالت آموزشی فاصله زیادی دارد و این فاصله در دولت‌های بعدی بیشتر شده است. چنانکه بر اساس اطلاعات موجود و استخراج شده از وزارت آموزش و پرورش طی هشت سال ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، ۱۰۹۹۱ مدرسه از مجموع مدارس دولتی در پایه ابتدایی و ۳۰۹۹ مدرسه از دوره راهنمایی و ۱۰۱۳۱ مدرسه از دوره متوسطه کم شد. در ارتباط با مدارس غیردولتی هم در این دولت، ۱۰۱۰۱ مدرسه به مجموع مدارس غیردولتی پایه ابتدایی افزوده شد و ۵۱۱ مدرسه از تعداد مدارس غیردولتی دوره راهنمایی و ۱۵ مدرسه غیردولتی هم در دوره متوسطه کاسته شد. در ارتباط با آمار مدارس غیردولتی در دولت روحانی هم باید گفت، دولت روحانی یکی از پرکارترین دولت‌ها در رشد مدارس غیردولتی خصوصاً در دوره ابتدایی بود. در دور اول ریاست جمهوری دولت روحانی ۳۰۵۱۱ مدرسه غیردولتی در دوره ابتدایی، ۱۱۵ مدرسه غیردولتی در دوره راهنمایی و ۹۱۳ مدرسه در دوره متوسطه ایجاد گردید (بنیادی، ۱۳۹۳). جمع‌بندی این آمار نشان می‌دهد نگاه لیبرالی به سیاست و حوزه آموزشی در خصوصی‌سازی این حوزه، فارغ از گرایش‌های سیاسی باعث رشد مدارس غیردولتی و افت مدارس دولتی شده است و این مسئله در آموزش عالی به‌گونه‌ای دیگر تکرار و تشدید شده است.

۴-۲- میزان تورم

تورم بالای یکی از اصلی‌ترین معضلاتی است که در دوره‌های گذشته، تقریباً تمامی دولت‌ها با آن روبه‌رو بوده‌اند و با وجود وعده‌هایی که در این زمینه ارائه شده، بسیاری از آن‌ها در پایین آوردن این نرخ با مشکل مواجه شده‌اند. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته از سوی اتاق بازرگانی تهران بررسی نرخ تورم در ۱۰ سال گذشته نشان می‌دهد که نرخ تورم در دو سال تک‌رقمی بوده اما در دیگر سال‌ها همچنان اعدادی دورقمی را ثبت کرده است. با اینکه دولت اصلاحات دولت را با تورم ۱۰/۴ درصد به احمدی‌نژاد تحویل داد اما احمدی‌نژاد آن را با تورم بالای ۳۰ درصد به روحانی واگذار کرد (قائم موسوی و موسوی، ۱۳۹۸: ۱۲۹). طبق آمار بانک مرکزی تورم نقطه به نقطه هم در سال ۱۳۹۱ به حدود ۳۱ درصد و این عدد در فصل بهار به ۳۸ درصد رسید. (سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۹: ۶۲۰) روحانی نیز دولت را با تورم بالای ۴۰ درصد به رئیسی واگذار کرد. سیر تورم در ایران از ۱۳۹۱ تاکنون به شکل زیر بوده است: در سال ۱۳۹۱، تورم سالانه ۲۹/۵ درصد، در سال ۱۳۹۲، ۳۲/۸ درصد، در سال ۱۳۹۳، ۱۴/۶ درصد و در سال ۱۳۹۴، ۱۱/۱ درصد بوده است. این نرخ در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ تک‌رقمی شده به

۶/۹ و ۸/۲ درصد رسیده اما مجدداً از سال ۱۳۹۷ صعودی شده و با عبور از اعداد ۲۶، ۳۴ و ۳۶ درصد، سرانجام در سال ۱۴۰۰ به بیش از ۴۰ درصد رسید (مرکز آمار ایران؛ ۱۳۹۸).



نمودار ۴: روند تغییرات نرخ تورم از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹

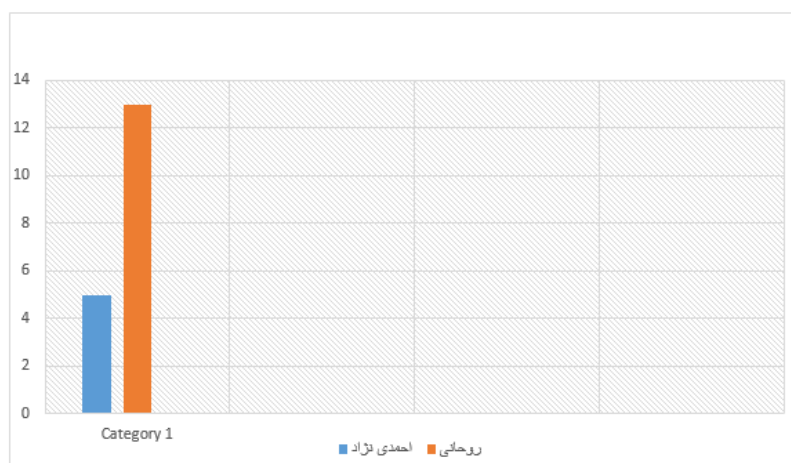
منبع: مرکز آمار ایران؛ ۱۳۹۸

در طی سال‌های ۱۳۸۴ تا نیمه اول سال ۱۳۹۲ پس از افزایش نرخ تورم از ۱۲/۱ درصد به ۲۵/۵ درصد طی سه سال، نرخ تورم با کاهش چشمگیری به عدد ۹/۵ درصد تقلیل یافت و پس از سال‌ها یک‌رقمی شد؛ ولی مجدداً و با وضع تحریم‌های جدید و افزایش نسبی نرخ ارز، نرخ تورم روند صعودی گرفت و طی سه سال به ۲۸/۶ درصد رسید (آرمند و کاشیان، ۱۴۰۱: ۲۵). از ویژگی‌های دوران روحانی، روند کاهشی نرخ تورم در چهار سال اول به صورت مستمر و تکریمی ماندن نرخ تورم در دو سال ۹۵ و ۹۶ به طور پیاپی است. روند کاهشی مستمر نرخ ارز از ۳۲/۱ درصد به ۸/۱ درصد طی ۵ سال اول این دوره را می‌توان ناشی از ثبات نسبی قیمت ارز طی سال‌های مذکور دانست. پس از وضع تحریم‌های جدید و محاصره اقتصادی ایران و با جهش حدود شش برابری نرخ ارز، تورم نیز روند صعودی داشته است؛ به طوری که در سال‌های ۹۷، ۹۸ و ۹۹ به ترتیب به ۲۶/۶، ۳۴/۴ و ۳۶/۲ درصد رسید (مرکز آمار ایران؛ ۱۳۹۸).

۲-۵- میزان سرمایه‌گذاری خارجی

هدف دولت‌ها از جذب سرمایه خارجی، علاوه بر استفاده از تکنولوژی، مدیریت و راه‌یابی به بازار جهانی، ایجاد اشتغال و رفع بیکاری نیز می‌باشد. بدیهی است که هر چه کشوری از توان جذب

سرمایه‌های بین‌المللی بیشتر برخوردار باشد، حضور آن در اقتصاد جهانی و میزان تأثیرگذاری آن بر جهانی شدن بااهمیت‌تر خواهد بود (دیانت و نجات پور، ۱۳۹۶: ۱۴۵). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از متغیرهای مهم اقتصادی است که می‌تواند با توجه به ویژگی‌هایش، بر رشد و توسعه اقتصادی تأثیر مثبت بگذارد. جذب سرمایه‌گذاری خارجی تا حدود زیادی به تعامل و تشنج‌زدایی وابسته است. پس از انقلاب با توجه به تحریم‌های بین‌المللی و ارتباط نه‌چندان مناسب با جهان غرب، جمهوری اسلامی ایران در این زمینه بسیار موفق نبوده است (آرمند و کاشیان، ۱۴۰۱: ۲۵). البته در این زمینه دولت اصلاحات موفق عمل کرد به طوری که تا اواسط سال ۱۹۹۹ در مجموع حدود ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب نمود. در سال ۲۰۰۰ برای اولین بار رقم سرمایه‌گذاری خارجی صورت گرفته در کشور از یک میلیارد دلار فراتر رفت و در ادامه روند روبه رشد خود در سال ۲۰۰۱ به میزان ۳،۶۵۷ میلیارد دلار رسید. این روند در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ به ترتیب به ۶۹۷ و ۸۳۳ میلیارد دلار رسید. باروی کار آمدن دولت نهم و سپس دهم این رقم در سال ۸۴ با افزایش روبرو شد و مجدداً از ۳ میلیارد دلار فراتر رفت؛ اما در ادامه با کاهش روبرو شد و در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ به ارقام ۱،۶۴۶، ۲،۰۰۵ و ۱،۹۰۹ میلیارد دلار رسید. در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی در دولت روحانی آنچه روشن است، داده‌های مقامات کشور افزایش ۸۴ درصدی افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال مالی ۲۰۱۶ را نشان می‌دهد؛ بنابراین میزان سرمایه‌گذاری خارجی در دوران روحانی عدد ۱۳ میلیارد دلار را نشان می‌دهد (امیدی و قلمکاری، ۱۳۹۷: ۵۹).

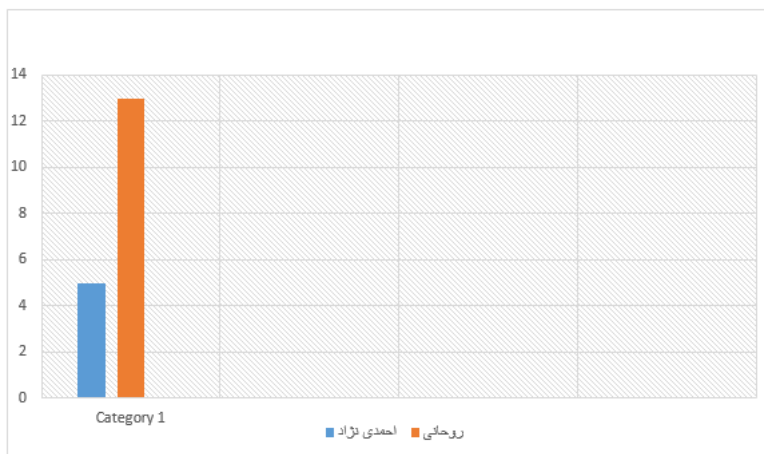


نمودار ۵: میزان سرمایه‌گذاری در دولت احمدی نژاد و روحانی (میلیارد دلار)

منبع: امیدی و قلمکاری، ۱۳۹۷: ۵۹

۶-۲- وضعیت اشتغال

یکی از مباحث اساسی در زمینه نوسازی، میزان بهره‌گیری درست و منطقی از توانایی‌ها و استعداد های نیروی انسانی هر جامعه است. نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی نمود (طاهری، ۱۳۹۲: ۲). هرچند دولت احمدی‌نژاد اقدام به واگذاری وام‌های زودبازده و بنگاه‌های کوچک کرد، اما نتوانست به دلایل نهادی و مبنایی در کاهش نرخ بیکاری موفق شود و در دوره روحانی هم این روند هرچند با سرعت کمتر ولی ادامه پیدا کرده است (سالنامه مرکز آمار، ۱۳۹۸ و صفریان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۷). بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۴ یعنی پایان دوران ریاست جمهوری خاتمی و در آستانه شروع به کار دولت نهم و دهم تعداد کل شاغلین ۱۹,۰۲۹,۶۰۰ نفر بوده است که در بهار ۱۳۹۲ (پایان دوران احمدی‌نژاد) به ۲۲,۱۷۱,۲۰۰ نفر رسید. این آمار در سال ۱۴۰۰ (پایان دولت روحانی) به ۲۳,۶۷۵,۰۰۰ نفر رسید. بدین ترتیب در ۸ سال دولت‌های یازدهم و دوازدهم، خالص اشتغال کشور حدود ۱,۵۰۰,۰۰۰ شغل بوده است. در حالی که در دوران احمدی‌نژاد این رقم بیش از ۳ میلیون شغل بوده است (حسینی، ۱۴۰۰). به عبارت دیگر، به‌طور متوسط در ۸ سال دولت روحانی در هر سال حدود ۱۸۸ هزار شغل و در دوران احمدی‌نژاد سالیانه ۲۰۸ هزار شغل ایجاد شده است.

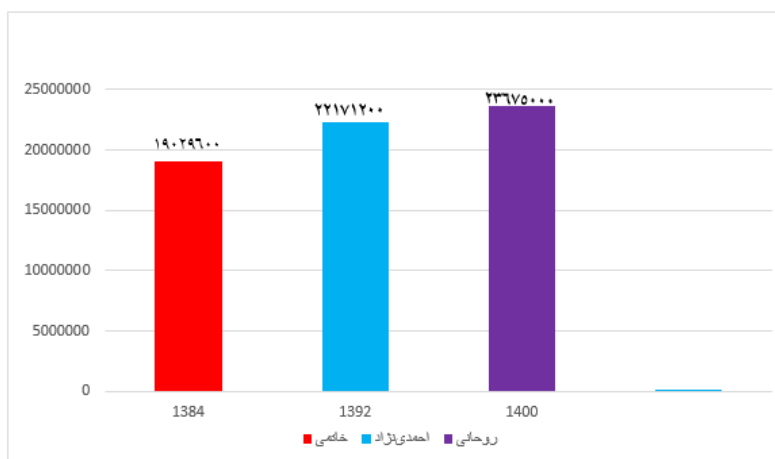


نمودار ۶: وضعیت اشتغال در دوران احمدی‌نژاد و روحانی

منبع: مرکز آمار ایران، به نقل از حسینی، ۱۴۰۰

مطابق با نمودار شماره ۶ در مقایسه با عملکرد دولت‌های نهم و دهم، دولت روحانی در زمینه ایجاد اشتغال، عملکرد ضعیف‌تری داشته است. در بهار ۱۳۸۴ که فصل پایانی عملکرد دولت

خاتمی بود، تعداد شاغلان کشور حدود ۲۰ میلیون نفر بود که در بهار ۱۳۹۲ به ۲۲ میلیون و ۱۷۰ هزار نفر افزایش یافت که بیانگر خالص اشتغال حدوداً ۱,۶۷۰,۰۰۰ شغل بود؛ بنابراین دولت احمدی نژاد به طور متوسط در ۸ سال فعالیت خود سالانه نزدیک به ۲۰۹,۰۰۰ شغل ایجاد کرد. در حالی که این رقم در دوران روحانی سالانه حدود ۱۸۹,۰۰۰ شغل بوده است.



نمودار ۷: متوسط سالانه ایجاد شغل در دوران احمدی نژاد و روحانی

منبع: مرکز آمار ایران، به نقل از حسینی ۱۴۰۰

۷-۲- وضعیت مسکن

نگاه دولت‌ها به مقوله مسکن در ایران با فراز و نشیب‌های گوناگونی همراه بوده است. ایده‌ها و طرح‌های حوزه مسکن در هر دولتی متفاوت با دولت بعدی بوده و در برخی موارد هم مکمل یکدیگر عمل کرده‌اند. با این حال اگر نگاهی به فراز و نشیب‌های این ۱۰ سال سیاست مسکن انداخته شود مشاهده می‌شود که ایده دولت‌ها در هیچ دوره‌ای به اندازه دولت‌های احمدی نژاد و روحانی قابل توجه نبوده است (غفاری، ۱۳۹۳: ۱۰۵). در بخش‌های کلان بررسی موسع به این سیاست‌ها در نگاه اول مسکن مهر در دولت احمدی نژاد و مسکن ملی در دولت روحانی را تداعی می‌کند اما به لحاظ ایده پردازی در سطوح میانی سیاست‌ها می‌توان گفت که شاید دو ایده بیشتر از همه در این دو دولت توجه مردم را به خود جلب کرد؛ یکی ایده واگذاری زمین ۱۰۰۰ متری رایگان برای ساخت ویلا در دولت احمدی نژاد و دیگری ایده ساخت مسکن ۲۵ تا ۳۵ متری در دولت روحانی. در خصوص امکان اجرایی شدن این ایده در دولت روحانی شاید بتوان گفت که ایده خانه ۲۵ متری نسبت به ویلای ۱۰۰۰ متری احمدی نژاد امکان تحقق

بیشتری دارد. با این حال چالش‌هایی بر سر راه تحقق این امر وجود دارد از جمله اینکه در بسیاری از مواقع طرح‌هایی که برای حل مشکل مسکن ارائه می‌شوند یا در مرحله تئوریک یا در مرحله اجرا ممکن است دارای ضعف‌هایی باشند که در نهایت به خانه‌دارشان مردم ختم نشود درست مثل ایده زمین رایگان ۱۰۰۰ متری. در رابطه با سیاست مسکن دولت احمدی‌نژاد باید گفت که اصل عزم این دولت برای حل مشکل مسکن مردم در قالب طرح «مسکن مهر»، قابل تحسین بود. در واقع این دولت، برای حل مشکل مسکن مردم کم‌درآمد رأساً وارد گود شد و ساخت مسکن را عملیاتی کرد. بدین ترتیب، بسیاری از ایرانیان که حتی فکرش را هم نمی‌کردند که روزی خانه‌دار شوند، صاحب‌خانه شدند؛ این سیاست به‌رغم مطلوبیتش با چند اشکال همراه بود که باعث شد یکی از کارهایی که می‌توانست به‌عنوان شاهکاری از دولت احمدی‌نژاد باشد، به پاشنه آشیل دولت وی تبدیل شود (امجدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰).

محمود احمدی‌نژاد با دو هدف کلی تأمین مسکن ارزان‌قیمت برای اقشار کم‌درآمد جامعه و نیز کنترل قیمت مسکن پروژه مسکن مهر را در سال ۱۳۸۶ کلید زد و این پروژه تا مهرماه ۱۳۹۲ ادامه داشت. در طول این مدت تعداد ۴,۰۰۴,۰۰۰ واحد مسکونی شهری و روستایی ساخته شد، یعنی چیزی حدود یک میلیون واحد در هر ساله رکوردی بی‌سابقه در عرصه مسکن بود. بر اساس آنچه مرکز آمار ایران اعلام کرده است، در دوران هاشمی تا دوران احمدی‌نژاد ۸ میلیون واحد مسکونی جدید در کشور ساخته شد است که ۱,۱۷۱,۰۰۰ واحد آن در ۸ سال دولت هاشمی، ۲,۱۲۸,۰۰۰ واحد آن در دوران خاتمی و ۴,۰۰۴,۰۰۰ واحد نیز در دولت احمدی‌نژاد ساخته شده است. بر اساس اسناد مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۰، تعداد ۲۱,۲۰۰,۰۰۰ خانوار شهری و روستایی در ایران زندگی می‌کردند در حالی که تعداد واحدهای مسکونی شمارش شده در همین سال ۲۱,۶۰۰,۰۰۰ واحد مسکونی بود که این نشان‌دهنده این است که برای اولین بار تعداد واحدهای مسکونی ایران به میزان ۴۰۰ واحد بیشتر از تعداد خانوارها بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱).

با پایان یافتن دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد و روی کار آمدن حسن روحانی طرح مسکن مهر نیز کنار گذاشته شد. سیاست‌های حوزه مسکن دولت یازدهم و دوازدهم را می‌توان در چهار برنامه مسکن حمایتی، مسکن اجتماعی، بازار رهن ثانویه و صندوق توسعه مسکن خلاصه کرد. دولت تدبیر و امید در نظر داشت که در قالب مسکن اجتماعی ۷۰,۰۰۰ واحد مسکونی را بسازد و ساخت ۸۰,۰۰۰ واحد دیگر را نیز امور خیریه متقبل شوند، یعنی در مجموع سالانه

۱۵۰,۰۰۰ مسکن اجتماعی ساخته شود. در قالب مسکن حمایتی نیز ۲۵۰,۰۰۰ واحد باید ساخته می‌شد. در طرح ساماندهی سکونت‌های غیررسمی نیز ساخت ۱۴۰,۰۰۰ واحد هدف‌گذاری گردید؛ بنابراین در مجموع وزارت راه و شهرسازی برای ساخت ۵۴۰,۰۰۰ واحد مسکن هدف‌گذاری کرد (محمد پور و موحد، ۱۳۹۴: ۴۰-۳۷).

بررسی آمارهای سامانه مدیریت مسکن مهر نشان می‌دهد از کل واحدهای مسکن مهر که در دولت احمدی‌نژاد پایه‌گذاری شد، ۶۳ درصد از آن‌ها تا پایان دولت دهم به مرحله نازک‌کاری رسیده است و تنها ۳۷ درصد از آن‌ها در دولت یازدهم و دوازدهم به سرانجام رسیده است. در خصوص ساخت‌وسازهای جدید نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد واحدهای مسکونی ذکرشده در پروانه‌های ساختمانی صادرشده مناطق شهری کل کشور طی دوره هشت‌ساله دولت روحانی کاهش ۵۰ درصدی داشته است. همچنین طی سال‌های ۹۲ تا ۱۳۹۸ حجم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش مسکن کاهش ۲۶ درصدی داشته است. در بخش نوسازی و بهسازی مسکن روستایی نیز بررسی‌ها حکایت از آن دارد که طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۰ در مجموع ۲,۰۱۴,۱۹۳ واحد مسکونی در روستاهای کشور ساخته‌شده که ۶۸ درصد آن (معادل یک‌میلیون و ۳۷۸ هزار و ۳۲۳ واحد) در دولت‌های نهم و دهم و ۳۲ درصد آن (معادل ۶۳۵ هزار و ۸۷۱ واحد) در دولت روحانی صورت گرفته است. بر اساس این آمارها، در سال ۸۴ تنها ۹۰,۵۹۲ واحد در روستاها نوسازی شده بود که این تعداد تا سال ۸۹ با رشد ۳۲ برابری به ۳۰۷,۵۲۴ واحد رسیده و در ادامه نیز این تعداد به ۲۵۳,۰۰۰ واحد در سال ۹۰ و به ۱۵۲ هزار و ۶۵۸ واحد در سال ۹۱ رسیده است. در سال ۹۲ در مجموع ۱۰۸ هزار و ۶۰۶ واحد مسکونی در روستاها به بهره‌برداری رسیده که سهم دولت احمدی‌نژاد ۴۴ هزار واحد و سهم دولت روحانی نیز ۶۴ هزار و ۶۰۶ واحد بوده است. در سال ۹۳ تعداد مسکن احداث‌شده در مناطق روستایی به بیش از ۹۷ هزار واحد رسیده و بین سال‌های ۹۴ تا ۹۶ این تعداد سالانه بین ۷۲ تا ۸۲ هزار واحد بوده است. در سال‌های ۹۷ و ۹۸ با وقوع حوادث طبیعی از جمله سیل و زلزله، تعداد مسکن نوسازی شده در مناطق روستایی کشور با رشد قابل‌توجهی به ۹۲ هزار و ۶۰۲ واحد در سال ۹۷ و به ۱۵۴ هزار و ۵۹۸ واحد در سال ۱۳۹۸ رسیده است (تحولات تاریخی مسکن در دو دهه اخیر، ۱۴۰۱). در مورد مقایسه سیاست‌های دولت‌های حسن روحانی و محمود احمدی‌نژاد در زمینه مسکن باید گفت تفاوت چندانی در سیاست‌ها نمی‌توان پیدا کرد، دولت احمدی‌نژاد مسکن مهر را در حد انبوه ساخت و در اختیار

مردم قرارداد، اما در همان زمان که این پروژه در حال جلو رفتن بود، یعنی بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ جامعه در همان حال شاهد انفجار قیمت مسکن به‌خصوص در سال ۹۰ و ۹۱ است، بنابراین می‌توان گفت که آن سیاست برای کنترل قیمت مسکن جواب نداد. در دولت روحانی نیز همان سیاست دنبال شد و طرح‌های زیادی در دولت از جمله مسکن امید، مسکن قسطی کارکنان دولت، طرح بازآفرینی، وام ودیعه مسکن، گرفتن مالیات از خانه‌های خالی و ... به مرحله اجرا گذاشته شد که به‌مانند طرح‌های دولت قبل بود و اثر چندانی بر کنترل قیمت مسکن و خانه‌دار شدن طبقات متوسط و پایین جامعه نداشت (امجدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۶).

جدول شماره ۱: وضعیت مراحل ساخت مسکن مهر در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی

سال	تعداد ذکرشده	تعداد واحدهای دارای پروانه ساخت	تعداد واحدهای تمام پی‌سازی	تعداد واحدهای تمام اسکلت و سقف	تعداد واحدهای تمام سفت‌کاری	تعداد واحدهای تمام نازک‌کاری
برنامه جامع مسکن مهر	۲۳۳۸۸۶۸	۲,۳۳۸,۸۶۸	۲۳۳۸۸۶۸	۲۳۳۸۸۶۸	۲۳۳۸۸۶۸	۲۳۳۸۸۶۸
دولت احمدی‌نژاد	تعداد	۲,۲۹۸,۶۴۸	۲,۲۲۲,۰۶۷	۲,۰۲۷,۷۶۸	۱,۸۹۵,۹۲۴	۱,۵۰۴,۰۱۰
از سال ۸۶ تا پایان نیمه اول سال ۹۲	سهم (درصد)	۹۷	۹۴	۸۶	۸۰	۶۳
دولت روحانی از شهریور ۹۲ تا پایان سال ۹۸	تعداد	۲۳۳۸۸۶	۱۴۶,۸۰۱	۳۴۱,۱۰۰	۴۷۲,۹۴۴	۸۶۴,۸۵۸
	سهم (درصد)	۱۰۰	۶	۱۴	۲۰	۳۷

منبع: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ۱۴۰۰



نمودار ۸: تعداد سالانه واحدهای احداث شده در مناطق روستایی

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹

با توجه به اطلاعات موجود در جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۸ مشخص می‌گردد که در بحث ساخت مسکن مهر و همین‌طور ساخت مسکن به‌صورت مشخص در مناطق روستایی دولت محمود احمدی‌نژاد در کل عملکرد بهتری داشته است.

۸-۲- حمایت از سازمان‌های غیردولتی^۱

بر اساس داده‌های آماری ارائه‌شده از دولت نهم و دهم مشخص می‌گردد که تعداد ۵,۹۹۹ مجوز به‌منظور فعالیت سازمان‌ها از سوی وزارت کشور صادر شده است. از این تعداد در دولت نهم ۲,۱۱۷ مجوز و در دولت دهم ۳,۸۸۲ مجوز بوده است. تعداد مجوزهای صادره محدود بوده و علت ناکارآمدی این سازمان‌ها رابطه سازنده بین دولت و آنان شکل نگرفته است؛ بدین ترتیب لازم است دولت و نهادهای حکومتی شرایط فعالیت این سازمان‌ها را افزایش دهند، این اقدام به‌نوبه خود توانمندسازی نظام سیاسی، مشروعیت‌آورد و رضایت‌مندی شهروندان را به همراه خواهد داشت. در این زمینه، دولت محمود احمدی‌نژاد رابطه مستقیم دولت با شهروندان را برگزیده بود و در پی حل مشکلات اقتصادی و معیشتی طبقات پایین جامعه بود (قریشی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۰)؛ اما به

¹ Non-Governmental Organizations

² Legitimacy

دلیل نگاه امنیتی و بدبینانه دولت به نهادهای غیردولتی فضا برای فعالیت آنان باقی نماند. دولت به صورت مستقیم و غیرمستقیم تلاش می‌کرد خود همه وظایف را در جامعه عملی کند و این امر موجب شد تا مشارکت سازمان‌های غیردولتی در جامعه محدود و دولت تنها نهاد حل مشکل شناخته شود. از اقدامات دولت در این حوزه، طرح تأسیس و نظارت بر فعالیت سازمان‌های غیردولتی است که بر اساس این طرح تمامی نهادهایی که خواستار فعالیت هستند ابتدا از سوی یک نهاد نظارتی وابسته به دولت تحت نظارت قرار گیرند در صورتی که نهادهای غیردولتی ماهیت آنان غیردولتی است و به دولت وابسته نیستند، با تصویب این طرح موجب از بین رفتن استقلال این نهادها شد هرچند موجب ایجاد نظم در پرداخت مجوزها شده اما آزادی عمل آنان از بین خواهد رفت و از دیگر اقدامات عدم پرداخت یارانه به سازمان‌های غیردولتی سبب تضعیف این نهادها می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد دولت نهم و دهم به جای فراهم ساختن زمینه‌های رشد سازمان‌های غیردولتی به منظور تحقق نظم، تصمیمات معقولانه و عدم دخالت مستقیم دولت در جامعه به سمت تضعیف این نهادها حرکت کرده است (غفاری و ترجمان، ۱۳۹۷: ۱۶۷ - ۱۶۵).

در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی به دلیل تسلط گفتمان خردگرایی تعامل محور دولت مایل نبود همه امور و نیازمندی‌های جامعه و آنچه کشور نیاز دارد را بر عهده بگیرد و لذا تقسیم‌بندی‌هایی برای وظایف دولت و سازمان‌های غیردولتی صورت گرفت. دولت روحانی اعتقاد داشت که تشکل‌های مردمی و سازمان‌های مردمی را تهدید نمی‌بیند و حتی به عنوان فرصت تلقی می‌کند. اساس سیاست دولت یازدهم بر این بود که در همه امور تا آنجا که می‌تواند وظایف را به مردم، تشکل‌ها و انجمن واگذار کند که مثلث سرمایه‌گذاری خصوصی، غیردولتی و دولت شکل گیرد. بنا بر آمار، سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران وضعیت مناسبی ندارند. به گفته مسئولان دولت یازدهم سازمان‌های مردم‌نهاد در دولت نهم و دهم بسیار ضعیف شدند. سال ۸۴ بیش از ۴۰۰۰ سازمان مردم‌نهاد در کشور فعالیت می‌کرد این تعداد از سال ۸۴ تا ۹۲ به شدت تقلیل پیدا کرد و به ۵۴ سازمان مردم‌نهاد رسید. بنابر گفته مسئولان، در طی دوران ریاست جمهوری روحانی تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد به ۵۵۰ عدد رسیده است (نادری، ۱۳۹۸: ۴۸).

۹-۲- تشکل‌ها و احزاب

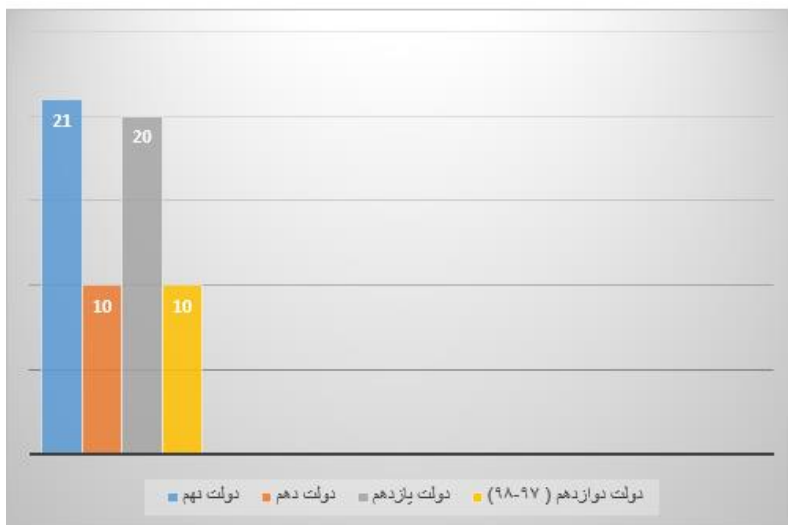
وجود تشکل‌ها و احزاب و تلاش برای گسترش آنها از مهمترین شاخص‌های توسعه سیاسی ملت‌ها است و دولت‌ها برای افزایش مشروعیت خود وجود این تشکل‌ها را ضروری

میدانند (کاظمی زاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۲). شهروندان برای رسیدن به حقوق خود باید بتوانند انجمن ها، احزاب، سازمان های ذی نفوذ و گروه های ذینفع سیاسی مستقل تشکیل دهند. این تشکل ها دارای مزایای زیادی است. از جمله اینکه فعالیت های سیاسی میان انتخابات متوقف نمیشود و با تحت تاثیر قرار دادن قانونگذاران میتوان خطی مشی ها را ارتقا داد. این تشکل ها و احزاب منشا روشنگری و آموزش شهروندان هستند (آرام و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱). بر اساس داده های آماری تعداد تشکل های سیاسی و احزاب سیاسی تأسیس شده در دولت نهم و دهم نشان می دهد از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ تعداد ۳۰ مجوز که ۲۱ مجوز در دولت نهم و ۹ مجوز دیگر در دولت دهم به منظور تأسیس تشکل های سیاسی صادر شده است (قریشی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۰)؛ اما از این میزان فقط ۹ تشکل سیاسی با عنوان حزب سیاسی مجوز فعالیت را دریافت کردند که شامل: حزب توسعه سازندگی ایران اسلامی استان تهران (سال ۸۴)، حزب نواندیشان ایران اسلامی، حزب زنان جمهوری اسلامی، حزب اعتماد ملی، حزب ثقلین، حزب نیک اندیشان ایران اسلامی و حزب جوان (سال ۸۵)، حزب توسعه و عدالت ایران اسلامی (سال ۸۶)، حزب اسلامی ایران زمین (سال ۸۸)، حزب عدالت طلبان ایران اسلامی (سال ۸۹) است (غفاری و ترجمان، ۱۳۹۷: ۱۶۲).

اولین اقدامات دولت در این راستا حذف یارانه احزاب از بودجه سال ۱۳۸۵ و همچنین در دولت دهم فعالیت خانه احزاب کاهش یافت و وزارت کشور حتی ساختمانی را که به خانه احزاب واگذار شده بود پس گرفت. عملاً در این دولت عدم حمایت از احزاب و فعالیت آنان موجب بسته شدن خانه احزاب به مدت ۵ سال بوده است (پور رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۲۱). در این دوران پرونده برخی از احزاب و کانون های مردمی باطل شده و یا دیگر تمدید نشده است و راه یارانه به روی احزاب بسته و هیچ تلاشی برای تحکیم و تثبیت نظام حزبی صورت نگرفته است. شواهد نشان می دهد نگرش محدودکننده به اصول توسعه سیاسی وجود دارد و حقوق سیاسی شهروندی در حوزه حق تحزب در دولت نهم و دهم بر اساس آمارهای ارائه شده تضعیف شده است.

دولت یازدهم نیز در ابتدای کار، شعار فضای باز سیاسی و با تأکید بر شکوفایی احزاب را مطرح نمود، بر همین اساس خانه احزاب ایران را تشکیل دادند تا همه جریان های سیاسی کشور بتوانند در فضای آرام و رقابتی به فعالیت بپردازند. دولت یازدهم زمانی که بر سرکار آمدند؛ اولین شعار آنان داشتن فعالیت دوباره خانه احزاب بوده است. از مهم ترین فعالیت های دولت حسن روحانی در رابطه با احزاب سیاسی و سازمان های مردم نهاد به شرح ذیل می باشند:

۱. شروع فعالیت رسمی خانه احزاب؛
۲. صدور مجوز تأسیس برای ۱۰۴، صدور پروانه برای ۵۸ و تمدید پروانه برای ۲۳۳ انجمن صنفی؛
۳. صدور مجوز تأسیس ۳۳ مورد و صدور پروانه فعالیت تشکل‌های سیاسی به تعداد ۲۰ مورد؛
۴. تهیه پیش‌نویس قانون نحوه فعالیت تشکل‌های صنفی و تخصصی؛
۵. اهتمام به تهیه لوایح ضروری باقی‌مانده مانند لایحه برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها؛
۶. ارتقاء کمی و کیفی مشارکت عمومی از طریق احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد؛
۷. برگزاری تعداد ۱۷۸۸ همایش و گردهمایی سیاسی و تبلیغات بزرگ در زمان قانونی انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری به دست احزاب و تشکل‌های سیاسی در سراسر کشور با حضور جریان‌های مختلف سیاسی در کمال آرامش و نشاط سیاسی برگزار شده و از بروز هرگونه مشکل امنیتی و بی‌نظمی پیشگیری کرده است. از جمله اقدامات و برنامه‌های دولت در جهت انجام گیری فعالیت‌های احزاب در کشور صورت داده شده است (حقیقی و بامری، ۱۳۹۶: ۵۸ - ۵۷).



نمودار ۹: تعداد پروانه‌های صادر شده برای تشکل‌های سیاسی

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور، ۱۳۹۹

بر طبق نمودار بالا، احمدی‌نژاد در دولت نهم و بالأخص سال ۱۳۸۵ در راستای صدور پروانه برای تشکل‌های سیاسی عملکرد خوبی داشته است و پس از آن سیر نزولی را طی کرده است، بر طبق داده‌های موجود مشخص می‌گردد که حسن روحانی نیز در دولت یازدهم روندی شبیه به دولت نهم احمدی‌نژاد داشته است؛ اما در کل می‌توان این‌گونه بیان کرد که دولت تدبیر و

امید در زمینه تشکیل احزاب و انجام فعالیت‌های مرتبط با آن‌ها عملکرد بهتری نسبت به دولت محمود احمدی‌نژاد داشته است.

دولت تدبیر و امید به منظور گسترش فعالیت احزاب در جمهوری اسلامی ایران به تدوین لایحه در خصوص احزاب و گروه‌های سیاسی پرداخته شده است. در اجرای اصل (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تدوین لایحه «قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» که این لایحه بر ۲۳ ماده و ۴۸ تبصره در تاریخ ۴/۱۱/۱۳۹۴ در مجلس شورای اسلامی وارد و متن آیین‌نامه پیشنهادی پس از بررسی در کمیسیون سیاسی و دفاعی و اعمال اصلاحات لازم در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۲/۲۳ هیئت‌وزیران مطرح و به تصویب رسید.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش گردید از منظری مقایسه‌ای شاخص‌های دموکراتیزاسیون در دو دولت احمدی‌نژاد و روحانی مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان داد که عملکرد دولت‌ها در زمینه شاخص‌های موردنظر متفاوت از یکدیگر بوده است. بر پایه داده‌هایی موجود، شاخص‌های موردنظر در دولت روحانی در طول ۸ سال اوضاع بهتری نسبت به ۸ سال دولت احمدی‌نژاد داشته‌اند. برای نمونه در شاخص‌هایی مانند مقوله مسکن و ایجاد شغل بویژه برای طبقات محروم و آسیب‌پذیر جامعه، دولت احمدی‌نژاد موفق‌تر بوده است؛ و در برخی دیگر مانند جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تشکیل احزاب و تأسیس سازمان‌های غیردولتی دولت روحانی بهتر عمل کرده است و در زمینه شاخص‌هایی همچون کنترل تورم، روند شهرنشینی، صنعتی شدن و آموزش عمومی اقدامات هر دو دولت به یکدیگر نزدیک بوده است. این تفاوت عملکرد البته می‌تواند مکمل تلاش دولت‌های مختلف و بر اهمیت و رشد دموکراسی در جامعه بیفزاید. مقایسه آمار و ارقام نشان می‌دهد که هرکدام از دولت‌های مورد بحث در بخشی از شاخص‌های دموکراسی موفق‌تر از دیگری عمل کرده‌اند. در نتیجه حرکت به سمت دموکراسی می‌تواند متأثر از توجه بیشتر به همین شاخص‌ها باشد که دولت‌ها به‌عنوان کارگزاران، نقش اصلی و مهمی را در این زمینه دارند. در مجموع نرخ رشد آمارها در دولت روحانی در خصوص شاخص‌های مورد مطالعه، بالاتر از دولت احمدی‌نژاد بوده است. به نظر می‌رسد دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران چه اصولگرا و چه اصلاح‌طلب در مسیری گام برمی‌دارند که به‌طور طبیعی با شاخص‌های مردمی-سازي هم‌سو و همگام می‌شوند، از حیث جامعه‌شناختی تعمیق این روند در دهه‌های گذشته

موجب رشد قشرهای تحصیل کرده و به‌طورکلی افزایش آگاهی‌های اجتماعی شده است که خود می‌تواند به اهداف کلان توسعه در ایران کمک فراوانی نماید؛ بنابراین دولت در هر طیفی که باشد و فرایند جهانی‌شدن را بپذیرد یا نپذیرد، با توجه به ذات خود در مسیر حرکت به سمت دموکراسی بیشتر قرار می‌گیرد. در پایان می‌توان این‌گونه بیان کرد که هیچ‌کدام از دو دولت احمدی‌نژاد و روحانی در دوران ریاست خود بر قوای اجرایی کشور نتوانسته‌اند در تمامی شاخص‌های نوسازی نظریه لیپست و لری دایموند در مسیر دموکراسی‌سازی با موفقیت کامل عمل کنند. البته نباید از یاد برد که محدودیت‌های بین‌المللی و تحریم‌های متعدد اقتصادی تحمیل شده بر کشور جمهوری اسلامی ایران یکی از موانع طی کردن این مسیر بوده که خود نیازمند پژوهشی جداگانه است.

منابع

- آرمند، حمید و کاشیان، عبدالمحمد (۱۴۰۱)، جنبه های روانی تحریم، ریسک بازارها و مقاوم سازی اقتصاد، راهبرد سیاسی، ۶(۱)، ۱۵۲-۱۲۱.
- آرام، خسرو؛ رضایی، علیرضا و ترابی، قاسم (۱۴۰۱). بیداری اسلامی و نیروهای تاثیرگذار در روند دموکرتیزاسیون در مصر، راهبرد سیاسی، ۶(۳)، ۲۸-۷.
- احمدی، حمید و کرمشایی، صبریه (۱۳۹۹). ناامنی دغدغه عصر مشروطیت و اثر آن بر حاشیه ایی شدن دموکراسی، سیاست، ۵۰(۲)، ۴۰۳-۴۲۱.
- امجدی، حوریه؛ مطلبی، مسعود و گنجی، قربونعلی (۱۳۹۹). تحلیل مقایسه ایی سیاست های اجتماعی-رفاهی در دولت های احمدی نژاد و روحانی. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۲(۳)، ۱۹۱-۱۷۷.
- امیدی، علی و قلمکاری، آرمین (۱۳۹۸). تحلیل رابطه سیاست خارجی و توسعه اقتصادی: مقایسه دولت های خاتمی، احمدی نژاد و روحانی (۱۳۹۶-۱۳۷۶)، رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۳(۴۶)، ۷۲-۴۷.
- بنیادی، حجت الله (۱۳۹۳). تفاوت مدارس دولتی و غیردولتی در ایران و جهان، سلام نو، ۱۰ مهرماه.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۴۰۰/۵/۱۲). گزارش عملکرد پیشرفت مسکن مهر در مناطق شهری کشور، بازیابی در ۱۲ اسفند ۱۴۰۱، از: https://bonyadmaskan.ir/Pages/UrbanAffairs.aspx?Paged=TRUE&p_x062a_x0627_x0631
- پروین، خیرالله و نورایی، مهدی (۱۳۹۱). تعارض دموکراسی و سکولاریسم، حقوق بشر، ۱(۱)، ۲-۲۶.
- پور رحیمی اردکانی، مرضیه (۱۳۹۴). رویکرد دولت های هاشمی رفسنجانی، خاتمی و احمدی نژاد به حزب سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
- حقیقی، محمد علی و بامری، مسلم (۱۳۹۶). احزاب و نشاط سیاسی در ایران مطالعه موردی: دولت یازدهم، پژوهش ملل، ۳(۲۵)، ۴۵-۶۱.
- حسینی، شمس الدین (۱۴۰۱). مقایسه آماری اشتغال در دو دولت، بازیابی در ۲۵ اسفند ۱۴۰۱، از: فارس نیوز، در: <https://www.farsnews.ir/news/13951026000805/%D9%85%D9%82%D8%A7%>

[DB%8C%D8%B3%D9%87-%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%D8](#)

خسروی، محمد علی و شهسواری فرد، شهره (۱۳۹۴). فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و کارآمدی سازمان‌های غیردولتی جمهوری اسلامی ایران، دولت پژوهی، ۲(۵)، ۲۳-۴۵.

دیانت، محسن و نجات پور، مجید (۱۳۹۶). توسعه از دیدگاه جریان اسلام‌گرای شریعتمدار پس از انقلاب اسلامی، رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۱(۴۱)، ۱۵۵-۱۳۳.

ساعی، علی؛ قاراخانی، معصومه و مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۳). دولت و سیاست آموزش در ایران، علوم اجتماعی، ۱۹(۵۱)، ۳۱۱-۳۳۱.

بروکر، پل (۱۳۸۴)، رژیم‌های غیردموکراتیک، ترجمه علیرضا سمعی اصفهانی، انتشارات کویر: تهران

سمعی اصفهانی، علیرضا؛ دهقان، حوریه؛ مختاری، علی و باقری دولت‌ادی، علی (۱۳۹۹). رویکرد اقتصاد سیاسی به سیاست‌های اقتصادی دوران ریاست جمهوری دولت احمدی نژاد، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۳(۲)، ۵۹۵-۶۲۶.

صفریان، روح‌الله؛ شهرام نیا، امیر مسعود؛ امام‌جمعه زاده، جواد و مسعودنیا، حسین (۱۳۹۸). الگوی حکمرانی خوب و توسعه‌ی اقتصادی در ایران و ترکیه (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷)، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۱(۲)، ۸۶-۱۱۰.

طاهری، آزاده السادات (۱۳۹۲). حق اشتغال به‌مثابه حق بشری، کار و جامعه، ۱۶۲.

علمداری، کاظم (۱۳۹۵). درباره دموکراسی و توسعه در ایران، تهران، نشر توانا.

عبداللهی، محمد و ساعی، علی (۱۳۸۴). تحلیل جامعه‌شناختی دموکراتیزاسیون در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۶(۳)، ۳-۲۷.

علیخانی، بهروز (۱۳۹۵). نگاهی به زمینه‌های اجتماعی-روانی شکست حکومت مشروطه و به قدرت رسیدن رضاخان، جامعه‌شناسی ایران، ۱۷(۱)، ۳۱-۴۵.

غفاری، مسعود و ترجمان، فریبا (۱۳۹۷). مدرنیته سیاسی در دولت نهم و دهم، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۹(۳)، ۱۵۰-۱۷۵.

فتحی، الهام (۱۳۹۵). مروری بر تحولات جمعیت ایران در دهه‌های اخیر با استفاده از نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن. پژوهشکده آمار، ۲۲.

فوران، جان (۱۳۷۹). مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: مرکز.

قاضی مرادی، حسن (۱۳۹۷). گذارها به دموکراسی (تاریخچه‌ی پنجاه سال پژوهش‌های دموکراسی سازی)، تهران: اختران.

قریشی، فردین؛ علیزاده اقدام، محمد باقر و زایر کعبه، رحیم (۱۳۹۶). تحول گفتمان عدالت در ایران، مطالعه موردی دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی، جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، ۶(۲)، ۱۴۳-۱۸۰.

کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۵). استبداد دموکراسی و نهضت ملی، تهران: نشر مرکز.
 کاظمی زاد؛ علیرضا؛ احمدی سفیدان، حسین؛ جوانپور هروی، عزیز و شاکری، حسین (۱۴۰۱). نقش استراتژی‌های مدیریت فضای مجازی در رویکرد مشارکت سیاسی با شهروندان، راهبرد سیاسی، ۶(۱)، ۱۷۷-۵۰.

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸). گفتمان عدالت در دولت نهم، معرفت سیاسی، ۱(۲)، ۱۹۵-۲۴۳.
 گزارش اتاق بازرگانی تهران (۱۴۰۱). بالاترین تورم ایران در چه سالی ثبت شد؟، بازیابی در ۲۳ اسفند ۱۴۰۱، از <https://www.khabaronline.ir/news/1619787/%D8%A8%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8>

محمد پور، احمد و موحد، سجاد (۱۳۹۴). تاریخچه بحران مسکن و فرصت‌های پیش‌رو، پدافند اقتصادی، ۵(۱۶)، ۲۴-۳۹.

موسوی، قائم و موسوی، حجت (۱۳۹۸). مقایسه گفتمانی توسعه در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی، فصلنامه آفاق علوم انسانی، ۳(۳۲)، ۱۳۸-۱۲۱.

مرکز علم و فناوری اسلامی (۱۴۰۱). تاریخ‌پژوهی تحولات تاریخی حوزه مسکن در دو دهه اخیر، بازیابی شده از پژوهشکده کوثر در ۱۵ اسفند ۱۴۰۱، از: <https://ist.ihu.ac.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=187&pageid=10247&newsview=3002>

نادری، نسیم (۱۳۹۸). بررسی مقایسه‌ای برنامه‌ها و سیاست‌های حقوق شهروندی در دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه یزد، ایران.

وزارت صنعت، معدن، تجارت (۱۴۰۱). گزارش‌های سالانه، بازیابی در ۱۲ اسفند ۱۴۰۱، از: https://www.mimt.gov.ir/fa/general_content/478327.html

وزارت صنعت، معدن و تجارت (۱۴۰۰). در دولت روحانی ۳۶ هزار واحد و در دولت قبل ۵۴

هزار واحد صنعتی بهره‌برداری شد، بازیابی از جهان نیوز در ۲۵ اسفند ۱۴۰۱، از:

<https://www.jahannews.com/news/771266/%D8%AE%D8%A7%D9%84%D8%B5->

Diamond, Larry(1992). Economic Development and Democracy ReconsideredM, *American Behavioral Scientist*, NO 1, pp 68- 102.

Lipset, Seymour Martin(1959). Some Social Requisites of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy, *The American Political Science Review*, No 1, pp 225- 265.

Nematollah. Ali(2006). *Politics of Culture in Iran*, First published by Routledge, an imprint of the Taylor & Francis Group.